

## الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دفاع مقدس

ابوالفضل صدقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

### چکیده:

الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دفاع مقدس چه بوده است؟ بی‌تردید طرح این پرسش گامی مهم در شناخت یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخ معاصر کشور به شمار می‌رود. مقاله پیشرو، با اتکا به تحلیلی نظری، نشان می‌دهد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نمی‌توان از طریق نظریات موجود روابط بین‌الملل توضیح داد و هیچ یک از شاخص‌های موجود روابط بین‌الملل از جمله رئالیست‌ها و نئولیبرال‌ها، و حتی نظریه‌سازهانگاری نمی‌تواند به طور کامل کلید فهم و حل معمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره دفاع مقدس باشد. مدعای مقاله آن است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره الگویی بی‌بدیل و منحصر به فرد ارائه داده است که خود قادر است در قالب یک نظریه خاص و مستقل مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد.

### واژگان اصلی:

سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، حیات طیبه.

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شعار نه شرقی و نه غربی، موجی از تهدیدات خارجی و داخلی به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه رفت. شورش‌ها و اقدامات چریکی قومی با ماهیت ضدانقلابی نظام نو پای جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کرد. اوج تهدیدات خارجی، حمله نظامی گسترده عراق به ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۳۱ بود. صدام حسین در مجلس عراق حاضر شد و اعلام کرد که موافقت‌نامه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزایر منتهی است و مجلس عراق نیز در یک جلسه فرمایشی در همان شب، موافقت‌نامه الجزایر را باطل اعلام نمود و به بهانه اشغال عراق، نیروهای بعث حدود ۱۵۰ کیلومترمربع از اراضی ایران را اشغال کردند. در طول هشت سال جنگ، قدرت‌های بزرگ و نظام سلطه به همراه دوستان منطقه‌ای خود همواره جمهوری اسلامی ایران را تحت شدیدترین فشارها قرار دادند و با تمام توان از صدام حسین حمایت کردند و در سال آخر رسماً وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران شدند. بررسی الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این شرایط سخت موضوع بسیار مهمی است؛ سیاستی خارجی که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) هدایت‌کننده اصلی آن بود. مقاله حاضر با توجه به این مسئله، به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال اصلی زیر است:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی دفاع مقدس از چه الگویی پیروی می‌کرد؟  
 ضرورت تحقیق مذکور به این مهم بازمی‌گردد که دفاع مقدس به‌عنوان گنجینه‌ای ماندگار گهربار می‌تواند الگویی برای آیندگان باشد و تجارب مهمی را هم در صحنه عمل و هم نظر به نسل امروز و آتی بیاموزد. جمهوری اسلامی ایران با رهبری یک مرد الهی و با مبانی برآمده از عقل و وحی در جهت ایجاد حیات طیبه (آبادانی دنیا و آخرت) از اصول سیاست خارجی اسلامی - ایرانی پیروی کرده است؛ اصولی که با مبانی لیبرال دمکراسی و سوسیالیسم مطابقت نداشته و برآمده از متن دین اسلام و قرآن است. این الگو قابل ارزیابی و مطالعه از طریق نظریات موجود روابط بین‌الملل همانند رئالیسم - لیبرالیسم و سازه‌نگاری نیست.

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگویی است که اصول آن، مبارزه با ظلم و استکبار، حمایت از مظلوم، دعوت جهانیان به حیات طیبه، حفظ تمامیت ارضی و امام‌القری اسلامی و اصل نه شرقی و نه غربی (قاعده نفی سبیل) است که الگویی بی‌بدیل و منحصر به فرد محسوب می‌شود. مبانی معرفت‌شناسی این اصول، برآمده از عقل و وحی است

البته عقلی که متضاد با وحی نباشد.

## ۱- اصل مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین

یکی از اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس، اصل مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین بود. علی‌رغم درگیر بودن جمهوری اسلامی در یک جنگ تمام‌عیار نه با عراق بلکه با نظام سلطه جهانی، ایران هرگز از این اصل کوتاه نیامده و در طی دوران دفاع مقدس بر آن پافشاری می‌کرد.

در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

حمایت در مفهومی گسترده، از ارسال سلاح و اعزام قوا گرفته تا تقدیم عواطف و ابراز احساساتی صمیمانه و دوستانه و نصیحتی پدرانه به مظلومان در جهت همدردی و یا گفتگویی با ظالمان در جهت احقاق محرومان را در بر می‌گیرد (ایزدی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به‌عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی در طی دوران دفاع مقدس همواره از مستضعفان جهان به‌طور آشکار حمایت می‌کردند. ایشان در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۲۳ فرمودند: «شما بدانید که ملت‌ها، حتی آن ملت‌هایی که الهی هم نیستند، اینها ... که جزء مستضعفان جهان هستند و همیشه در تحت سلطه مستکبران بوده‌اند امید دوخته‌اند به این نهضتی که در ایران حاصل شده است» (معاونت پژوهش مؤسسه نظم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۳۸۱).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) همواره در طول دفاع مقدس بارها و بارها به‌طور آشکار از مستضعفین جهان حمایت کرده و اصل مبارزه با ظلم و استکبار را گوشزد کردند. این اصل بدون تردید یکی از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول دفاع مقدس بوده است و اهمیت آن از این جهت است که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهای فزاینده هرگز در نظر و عمل از این اصل عدول نکرد اصلی که ریشه در قرآن و سنت دارد. اکنون به‌اجمال مصادیقی از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره را ذکر می‌کنیم.

### حمایت از مردم افغانستان

از همان ابتدای کودتای کمونیستی افغانستان که با کمک اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت، جمهوری اسلامی ایران آن را محکوم نمود. در آن زمان، وزارت امور خارجه ایران با صدور اطلاعیه‌ای اعتراض دولت ایران را نسبت به دخالت شوروی در امور داخلی افغانستان اعلام کرد. در آن اطلاعیه آمده بود:

«افغانستان از لحاظ ایران هم به‌عنوان یک کشور مسلمان و هم همسایه می‌باشد؛ بنابراین، این دخالت نظامی دولت اتحاد جماهیر شوروی در کشور همسایه ما، یک اقدام خصمانه نه تنها علیه مردم آن کشور، بلکه همه مسلمانان جهان تلقی می‌شود» (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۸).

در دوران دفاع مقدس ایران ضمن کمک‌های مادی و معنوی به مردم افغانستان، حل و فصل مشکل آن کشور را به‌صورت جدی و در قالب اقدامات دیپلماتیک پیگیری نمود. این در حالی بود که خود درگیر جنگ تحمیلی بود. اگر سمت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دیگر مکاتب روابط بین‌الملل بود می‌بایست جمهوری اسلامی ملت افغانستان را فراموش می‌کرد.

### مسئله لبنان و فلسطین

جمهوری اسلامی ایران در سراسر حیات سیاسی خود، حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان را فراموش نکرد و هزینه‌های این مسیر را نیز تقبل نمود. در اوج جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز اصل حمایت از مستضعفان به‌خصوص فلسطین و لبنان را از دستور کار سیاست خارجی خود حذف ننمود. در طول هشت دفاع مقدس، حمایت از مردم فلسطین و لبنان نه تنها ضعیف نشد بلکه شدت هم گرفت. البته در این قسمت ما قصد نداریم تمامی تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در حمایت از مردم فلسطین بازگو کنیم، بلکه تنها به نمونه‌هایی از آن اکتفا می‌کنیم تا نشان دهیم سیاست خارجی ایران در این دوره از چه الگویی پیروی می‌کرده است. آقای علی‌اکبر ولایتی بعد از انتخابش به سمت وزیر امور خارجه گفت:

«سیاست خارجی ما باتکیه بر اتحاد کشورهای اسلامی برای مقابله با کفر جهانی است. مسئله اساسی کشورهای اسلامی وجود رژیم صهیونیستی در خاک مقدس فلسطین است» (همان،

بر اساس همین تفکرات همواره دولت جمهوری اسلامی ایران حملات رژیم صهیونیستی به مردم بی‌پناه فلسطین را محکوم می‌نمود و در مجامع بین‌المللی در قبال تجاوزات آن رژیم موضع سرسخت اتخاذ می‌کرد و از طرف دیگر، با هرگونه گفتگوی صلح یا طرحی که حقوق مردم فلسطین و لبنان را پایمال می‌نمود به‌شدت مخالفت می‌کرد. مخالفت با طرح هشت‌ماده‌ای فهد و اجلاس سران عرب در فاس و خط‌سازش بین کشورهای اسلامی و محکومیت حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، از مهم‌ترین موارد قابل‌ذکر است. به گفته وزیر وقت کشورمان: «ما می‌خواهیم قدس را نجات دهیم، لیکن بدون نجات عراق نمی‌توانیم» (همان، ۶۱/۴/۱).

جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و دولت انقلابی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سیاست خارجی خود همواره از مردم مظلوم لبنان و فلسطین حمایت می‌کرد؛ این در شرایطی بود که خود درگیر مشکلات داخلی و جنگ تحمیلی بود و حمایت جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش در سراسر جهان در فضای سنگین بین‌المللی هزینه‌های فراوانی برای ایران به دنبال داشت؛ ولی اصل حمایت از مستضعفان در سیاست خارجی ایران کم‌رنگ نشد. سرانجام این حمایت‌ها موجب گردید اشغالگران لبنان خاک این کشور را ترک گویند و حتی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نیز با انفعال مواجه شوند و بخشی از این سرزمین‌ها را تخلیه نمایند.

موارد فوق، نمونه‌هایی بود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به تصویر بکشد. این نمونه‌ها شاهدهی برای الگوی اسلامی روابط بین‌الملل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است که به جای هویت برآمده از ناسیونالیسم، دغدغه امنیت اسلامی را دارد و منافع خود را مترادف با منافع مستضعفان جهان می‌داند.

## ۲- اصل دعوت جهانیان به حیات طیبه

قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به‌سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد». (انفال آیه ۲۴)

اصلی‌ترین هدف پیامبران، راهنمایی و دعوت تمامی انسان‌ها به‌سوی حیات طیبه بوده است تا در پرتو آن انسان‌ها به سعادت ابدی برسند. این اصل تا آنجا اهمیت دارد که خداوند جهاد

ابتدایی را علیه کسانی که مانع دعوت الهی می‌شوند، واجب ساخته است. بر اساس همین مبانی دینی و قرآنی است که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بر بهره‌گیری از کلیه شیوه‌های مشروع دعوت اعم از دعوت در سطح حکومتی یا دیپلماسی پارلمانی، دعوت در سطح بین‌ملت‌ها با بهره‌گیری از مجامع عظیم و کنگره‌های بزرگی چون حج، دعوت علنی و مخفی، دعوت فردی و جمعی، دعوت نزدیکان و دوستان، دعوت شفاهی و زبانی، کتبی و مکاتبه‌ای، دعوت از طریق سازمان‌های رسمی و نهادهای غیررسمی تأکید داشتند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۲۱۶)

جمهوری اسلامی ایران باتوجه‌به اصل دعوت، همواره جهانیان را به ارزش‌های معنوی اخلاقی و سعادت انسانی مرا می‌خواند. پیام‌های سالانه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به کنگره بزرگ حج و پیام تاریخی ایشان به گورباچف، سخنرانی نخست وزیران و رؤسای جمهور در مجامع بین‌المللی و واکنش امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در قضیه سلمان رشدی در همین راستا بوده است. ایشان در پیام تاریخی خود به مناسبت سالگرد کشتار خونین حجاج در مکه در تاریخ (۱۳۶۷/۴/۲۹) فرمودند: «امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی، شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمايگی آنان خارج شده است که دیگران را در هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند».

بارزترین موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در آگاهی‌بخشی امت اسلامی، مربوط به قضیه سلمان رشدی می‌باشد. این در حالی بود که با نزدیک شدن به پایان جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گروهی تصور می‌کردند می‌بایست جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌سوی واقع‌گرایی و تصور واقعی از صحنه روابط بین‌الملل سوق یابد؛ از نظر گروه مذکور، باید دفاع مقدس این تجربه را به ما آموخته باشد سیاست خارجی با الگوی اسلامی یک اشتباه راهبردی است. ولی تصور فوق، نادرست بود. اهانت سلمان رشدی به مقدسات اسلام و شخص پیامبر اسلام (صل‌الله‌علیه‌وآله) و واکنش شدید امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نسبت به وی، ثابت کرد که در هر شرایطی امام اجازه نمی‌دهد خللی در اصول سیاست خارجی ایجاد شود و مبارزه با جهان کفر و شرک و آگاهی‌بخشی و دعوت جهانیان تعطیل نخواهد شد. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در ماه‌های آخر عمر شریفشان نه تنها از اصول و ارزش‌های انقلابی دست نکشیدند، بلکه در راه مبارزه با غرب و شرق برای اعتلای ارزش‌های اسلامی مصمم‌تر نیز شدند.

بعد از توهین و اهانت سلمان رشدی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، امام خمینی (رحمت الله علیه) در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۵ در پیامی به شدت به آن واکنش نشان دادند و فرمودند:

«انا لله و انا الیه راجعون. به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانیم مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکسی در این راه کشته شود شهید است، ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد، ولی قدرت اعدام آن را ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد».

در همان اسفند ۱۳۶۷، دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار آن شد که موضوع کتاب «آیات شیطانی» در دستور کار وزرای امور خارجه و سران کشورهای عضو کنفرانس اسلامی قرار گیرد. از آنجاکه فشار مسلمانان بر سلمان رشدی زیاد شده بود و او هر لحظه خود را در برابر مرگ می‌دید، شایعه شد اگر رشدی عذرخواهی نماید و توبه کند حکم اعدام وی لغو می‌شود، ولی امام خمینی (رحمت الله علیه) فرمودند:

«اگر رشدی توبه کند و زاهد زمان هم بشود، حکم قتلش واجب است».

شاید کسی بگوید این همه مقاومت و پرداخت هزینه برای کتاب «آیات شیطانی» به چه منظور بوده است؟ آیا جمهوری اسلامی نمی‌توانست از طریق نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی اهداف خود را دنبال کند؟ چرا روی به دیپلماسی عمومی آورد؟ پاسخ به این سؤالات است که تفاوت مکتب سیاسی امام خمینی (رحمت الله علیه) را با دیگر مکاتب نظری غرب آشکار می‌سازد. واقعیت آن است که امام خمینی (رحمت الله علیه) به نظام بین‌الملل برای حمایت از مستضعفان هیچ اعتمادی نداشت، به اصل خودیاری و اتکا به خویش توجه می‌کرد، انجام تکلیف را بر همه چیز مقدم می‌دانست، از مرکز قدرت و اهمه‌ای نداشت، از ترس واقعیت‌های مادی از حقیقت چشم نمی‌پوشید و قدرت خداوند را بالاتر از همه می‌دانست. بر اساس همین نگرش، امام خمینی (رحمت الله علیه) در برابر ماجرای سلمان رشدی هرگز عقب ننشست و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام نگذشت و بار دیگر بر درستی سیاست خارجی خود در دفاع مقدس صحه گذاشت. ایشان تحلیل‌های واقع‌گرایانه و مادی را که

مرعوب مراکز قدرت بین‌المللی بود بر نمی‌تافت و به امت حزب‌الله تأکید فرمود:

«روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا. حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیل‌گران امروز ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق قوانین و اصول دیپلماسی بوده است یا خیر و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم، خود آثار و تبلیغاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم» (مؤسسه قدر ولایت، پیشین: ۵۸). البته تصمیم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در قضیه سلمان رشدی بر اساس شناخت ایشان از غرب صورت گرفته است، ولی لازم بود به دلیل واکنش‌های جهانی غرب، این تصمیم همراه با شجاعت اتخاذ گردد و مرعوب کسی نشد. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) می‌خواست ثابت کند که تمامی واقعیت آن نیست که تحلیل‌گران مرعوب بیان می‌دارند بلکه اگر ایستادگی و مقاومت به وجود آید واقعیت‌ها تغییر خواهند کرد؛ لذا در همین خصوص می‌فرمایند:

«همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه، این‌قدر جهان‌خواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آن به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که آنان اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب‌بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند، مضطرب شده‌اند ... استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد، ما در جا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف‌نظر می‌نماییم. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت، از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست؛ قضیه آنان حمایت از جریان ضداسلامی و ضد ارزش است. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول دیپلماسی خود تجدیدنظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما



واقع‌گرایانه عمل کنیم آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت‌ها و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم» (اطلاعات، ۶۷/۱۲/۴).

تمام تلاش امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در ماجرای سلمان رشدی آگاهی دادن به مردم و امت اسلامی بود. امام تلاش می‌کرد امت اسلامی بیدار شوند و در برابر غرب و شرق ایستادگی نمایند و به هویت و تمدن اسلامی خود برگردند. دعوت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی که ادراکات امت اسلامی را نشانه می‌رفت، برای غرب و شرق غیرقابل تحمل بود.

### ۳- حفظ تمامیت ارضی و ام‌القری اسلامی

اصل حفظ تمامیت ارضی و ام‌القری اسلامی، تلفیقی از منافع ملی و مصالح اسلامی است. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در این زمینه می‌فرماید:

«حفظ اسلام یک فریضه است بالاتر از تمام فرایض. یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است، بزرگ‌ترین فریضه بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (مؤسسه منظم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) پیشین: ۵۷-۵۵)

اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بر اصل حفظ تمامیت ارضی تأکید دارد و بیان می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است». بر اساس این اصل در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) که هدایتگر اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره دفاع مقدس بوده است، حفظ تمامیت ارضی اهمیت فراوانی داشته است و به‌زعم ایشان، اشغال یک وجب از خاک میهن اسلامی غیرقابل‌تصور است. از دیدگاه حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه)، در حد ضرورت باید برای حفظ نظام و کیان نظام اسلامی اقدام نمود و از مزاحمت حکم دیگر تا رفع خطر از آن باید رفع ید کرد. در این رابطه ایشان می‌فرمایند:

«مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود،

از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز با آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال فعل در آن عقلاً منجز است» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۰۶).

اصل حفظ جمهوری اسلامی ایران بارها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی دفاع مقدس تکرار گردیده است. جمهوری اسلامی ایران از تمام توان خود در سیاست خارجی استفاده کرد تا صدام حسین و حامیان غربی و عربی او نتوانند جمهوری اسلامی ایران را به‌زانو درآورند؛ لذا در پایان جنگ هیچ‌کدام از اهداف سه‌گانه‌ای که جنگ دشمن بعثی برای آن آغاز شده بود به نتیجه نرسید: سرنگونی نظام مقدس جمهوری اسلامی محقق نشد، صدام نتوانست استان خوزستان را از ایران جدا کند و حتی نتوانست تغییری در معاهده ۱۹۷۵ الجزایر به وجود آورد؛ لذا اصل حفظ ام‌القری جهان اسلام در طی دوران دفاع مقدس مورد تاکید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. اما شاید واضح‌ترین موضوع در حفظ ام‌القری جهان اسلام، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که نقش مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عهده داشت که در اینجا به اختصار به‌عنوان یک مصداق به آن اشاره می‌شود.

نظام سلطه جهانی به‌خصوص آمریکا و غرب برای خاتمه آبرومندانه جنگ ایران و عراق با کمک دیگر اعضای شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب رسانید. در این قطعنامه که در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ به تصویب رسید، از آغاز و ادامه این جنگ، ابراز تأسف شده بود. شورای امنیت همچنین از بمباران مراکز کاملاً غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و هواپیماهای غیرنظامی، نقض مقررات بین‌المللی، نوع‌دوستی و سایر قوانین مربوط به درگیری‌های مسلحانه، به‌ویژه استفاده از سلاح‌های شیمیایی که مغایر با تعهدات مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو است، اظهار تأسف کرد. عراقی‌ها که در وضعیت مناسبی در جنگ نبودند، قطعنامه را پذیرفتند ولی جمهوری اسلامی ایران به دلیل ابهاماتی که در قطعنامه وجود داشت ابتدا از پذیرش آن خودداری کرد ولی به دلیل نکات مثبت در آن، قطعنامه را قابل مذاکره دانست. از آنجاکه جمهوری اسلامی در موقعیت برتر در جنگ قرار داشت، به دنبال شرایط بهتر بود. ولی به نظر می‌رسید قدرت‌های بزرگ نمی‌خواستند بیش از این به ایران امتیاز بدهند. باتوجه‌به بند ۱۰ اجرای قطعنامه که راه را برای اقدام شورا علیه کشوری که قطعنامه را نپذیرد باز گذاشته بود، آمریکا دبیرکل وقت سازمان ملل متحد را تحت فشار گذاشته بود تا ایران را به‌عنوان طرفی که قطعنامه را نمی‌پذیرد معرفی کند (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۶۵). از طرف دیگر

ایالات متحده به همراه شرکای غربی و عربی خود، تلاش فراوانی نمود تا جمهوری اسلامی ایران قطعنامه را بپذیرد و خود نیز عملاً وارد صحنه جنگ شد. نیروهای آمریکایی در فروردین سال ۱۳۶۶ در حمایت مستقیم، آشکار و عملی از رژیم عراق در یک طرح هماهنگ به موازات حمله عراق به جزیره فاو، مواضع رزمندگان اسلام را زیر آتش گرفتند و قبل از آن، تأسیسات نفتی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار دادند و دو سکوی نفتی را زیر آتش گرفتند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۳۰).

در مردادماه سال ۱۳۶۶ ناوگان ضربتی آمریکا به ۲۴ فروند رسید. در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ بالگردهای آمریکایی در حضور واینبر، وزیر دفاع آمریکا، کشتی ایران اجر را منهدم کردند. در ۲۸ مهرماه ۱۳۶۶، آمریکایی‌ها به سکوهای نفتی رشادت و رسالت حمله بردند (اردستانی، ۱۳۷۸: ۱۷۰). این در حالی بود که آمریکا به بهانه حفاظت از نفت‌کش‌ها و امنیت انرژی با ۴۱ فروند کشتی جنگی و ۲۴ هزار سرباز وارد خلیج فارس شده بود. (کیهان: ۶۲/۸/۳) آمریکا بدین طریق، استراتژی بی‌طرفی را زیر پا گذاشت و فشار بر ایران را مضاعف نمود.

آمریکا در همین زمان اعلام کرد که واردات از ایران ممنوع است. ایالات متحده به بهانه حمله ایران به کشتی‌های تجاری و عدم احترام به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و برقراری آتش‌بس، علاوه بر ممنوعیت خرید نفت از ایران، صدور ۱۴ نوع کالاهای ساخت آمریکا که قابلیت استفاده‌های نظامی را نیز داشتند ممنوع کرد (کیهان: ۱۳۶۶/۸/۵).

در ادامه فشارهای آمریکا به ایران پس از عملیات والفجر ده، آمریکا به بهانه برخورد رزم‌ناو «ساموئل رابرتز» با مین که در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ صورت گرفت، یک اقدام نظامی احتمالی را نوید دادند. هم‌زمان با حمله نظامی عراق به فاو، سکوهای نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن مورد حمله آمریکا قرار گرفتند و رزم‌ناو سبلان به وسیله آمریکایی‌ها بمباران شد. (اردستانی، ۱۳۷۸: ۱۷۱).

اوج اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، حمله به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ بود. ناو آمریکایی وینسنس که به آب‌های ایران تجاوز کرده بود، با شلیک دو موشک، ۲۹۰ نفر از مسافران هواپیما را به شهادت رسانید.

در ماه‌های آخر جنگ، حمایت جهانی از عراق به اوج خود رسید. آمریکایی‌ها عملاً و به طور مستقیم وارد صحنه شدند. فرانسوی‌ها هواپیماهای پیشرفته سوپر اتاندار و میراژ ۲۰۰۰ را در

اختیار عراق گذاشتند. روس‌ها مدرن‌ترین هواپیماهای جنگنده و دورپرواز و بلندپرواز را به عراق ارسال کردند. کویت و عربستان سیل دلار را به بین‌النهرین جاری کردند. آلمانی‌ها مواد لازم را برای ساخت سلاح‌های شیمیایی در اختیار عراق می‌گذاشتند. عراق به طور وسیع مناطق مسکونی و جبهه‌ها را بمباران شیمیایی می‌کرد. مجامع بین‌المللی، با سکوت خود این جنایات را تأیید می‌کردند. امام از همه این امور مطلع شدند و پس از کسب گزارش‌های مختلف به این نتیجه رسیدند که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند، هرچند که این کار به منزله نوشیدن جام زهر بود (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۷۸). در واقع جمهوری اسلامی به همین مقدار امتیاز از قطعنامه بسنده کرد و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران در آن شرایط سخت قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند. پذیرش قطعنامه اصل حفظ ام‌القری جهان اسلام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به اثبات رسانید. دستاوردهای جنگ در کلام امام خمینی (رحمت‌الله علیه) - که در خصوص پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آمده به شرح زیر است:

«در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد؟ اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه وارد نمی‌سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان، فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلماً خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است» (کیهان: ۲۸۲).

#### ۴- اصل نه شرقی و نه غربی

اصل نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در ادبیات دینی از آن به‌قاعده نفی سبیل تعبیر می‌شود، دستیابی به حاکمیت واقعی و نه نمادین در دولت اسلامی است. اصل نه شرقی و نه غربی، باتوجه‌به مفاهیم فقهی آن و بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، در مقایسه با اصول حاکم بر نظام بین‌المللی، پدیده‌ای نو و کاملاً متفاوت است؛ زیرا این اصل متفاوت با اصل بی‌طرفی، موازنه منفی و اصل موازنه مثبت است. در اصل موازنه منفی، بدون پذیرش سلطه و وابستگی به یکی از قدرت‌های بزرگ، از تضاد آنها برای حفظ استقلال و منافع ملی بهره گرفته می‌شود و اما در اصل موازنه مثبت، با دادن امتیازاتی به

هر یک از قدرت‌های بزرگ اصل توازن قوا رعایت می‌گردد. ولی اصل نه شرقی، نه غربی دارای ویژگی‌های خاص خود است. زیرا برخلاف نظریه عدم تعهد، حالت تدافعی و انفعالی نداشته بلکه با اتخاذ سیاست تهاجمی فعال و پویا، علیه استکبار جهانی مبارزه می‌کند و همچنین اعتقاد به حکومت واحد جهانی تحت لوای اسلام دارد و نظریه تعادل قوا را در حفظ صلح و برقراری عدالت جهانی، غلط و مردود می‌شناسد (محمدی، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۷).

با این توصیف اصل نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک اصل بی‌نظیر برای رسیدن به استقلال و نفی هرگونه سلطه‌پذیری است و کاملاً منطبق با آیات و روایات اصل قاعده نفی سبیل است به نحوی که هیچ راهی را برای تسلط بیگانگان بر ام‌القری جهان اسلام باز نمی‌گذارد و الگویی بی‌نظیر برای معرفی به جهان اسلام است. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) درباره این اصل می‌فرماید:

«شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به‌عنوان تنها مکتب و نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد. پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا (صل‌الله‌علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است بلکه این سیاست ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۱۴).

یکی از واضح‌ترین راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طی دفاع مقدس، اصل قاعده نفی سبیل و عدم اتکا به شرق و غرب بوده است در جنگ تحمیلی، درحالی‌که کشورهای غربی و عربی با تمام وجود از صدام حمایت می‌کردند جمهوری اسلامی ایران نه تنها به دامن شرق و شوروی نغلتید بلکه در قضیه افغانستان رودرروی شوروی ایستاد. این سمت‌گیری را هیچ یک از مکاتبات و تئوری‌های روابط بین‌الملل نمی‌تواند پاسخ دهند.

یکی دیگر از نمونه‌های مرتبط با عدم اتکای جمهوری اسلامی ایران به غرب و شرق و عدم اعتماد به آنها، ماجرای مک‌فارلین است که آمریکا تلاش کرد در شرایط سخت جنگ چراغ سبز به جمهوری اسلامی ایران نشان دهد. اما بر اساس قاعده نفی سبیل، جمهوری اسلامی

ایران در سیاست خارجی خود رجوع و اعتماد به آمریکا نکرد. آمریکا برای آزادی گروگان‌های خود در لبنان در ازای فروش تسلیحاتی محدود به ایران تلاش می‌کرد. در کنار این هدف محدود، هدف درازمدت و استراتژیک نزدیکی با ایران و تغییر رفتار این کشور بود. آمریکا از ترس سقوط ایران در دامن شوروی در بحبوحه فشار جنگ تلاش می‌کرد ایران را به‌طرف خود بکشد؛ اما جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تمام فشارها و نیازهای خود بر اساس اصل نه شرقی و نه غربی نه به دامن شوروی غلتید و نه روی خوش به دولت ایالات متحده نشان داد. در واقع خطر پیروزی ایران در جنگ، آمریکا را وادار ساخت از طریق سیاست هویج بحران را در کنترل خود گیرد. البته این سیاست با هوشمندی نخبگان سیاسی ایران عقیم ماند. مک فارلین، مشاور امنیتی سابق ریاست‌جمهوری آمریکا، اذعان کرد که در قضاوت خود درباره کوشش برای ارتباط با ایران اشتباه فاحش کرده است. وی که تحمل این رسوایی و فشارهای مختلف را نداشت، با خوردن ۲۰ تا ۳۰ کپسول والیوم دست به خودکشی زد. برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا در دولت کارتر، گفت به نظر وی در جریان تلاش محرمانه ریگان برای نزدیکی با ایران و معامله تسلیحاتی بحث‌برانگیز با تهران، سر آمریکا کلاه رفته است و افزود مشکل است بتوان گفت اقدام ریگان موجب افزایش ثبات در خاورمیانه گردیده و یا نفوذ آمریکا را در منطقه بهبود بخشیده است (اطلاعات، ۱/۹/۱۳۶۵).

مدتی بعد ریگان هم اعتراف کرد که در اجرای سیاست نزدیکی به ایران، اشتباهاتی رخ داده است. گروه تحقیق کنگره آمریکا در این زمینه بیان می‌دارد:

در این ابتکار هیچ نتیجه و سودمندی مشخصی برای دولت آمریکا ایجاد نشد؛

«درحالی‌که ایران موفق شد سه گروگان را با سه نفر دیگر تعویض کند. از سوی دیگر، فروش ۲۰۰۴ عدد موشک تاو و در حدود ۲۰۰ قطعه حیاتی از موشک هاوک به ایران، ایجاد یک صندوق غیرقانونی برای کمک به نیروهای کنترا در نیکاراگوا و همچنین سایر فعالیت‌های پنهانی دیگر که توسط این گروه انجام شد، منافع قابل‌توجهی را برای گروه حکیم - سکورد در پی داشت. این منافع متعلق به ملت و مالیات دهندگان آمریکایی بوده است» (بیل، ۱۶۶).

بدین ترتیب بار دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود نه بر اساس رئالیسم، بلکه بر اساس الگوی اسلامی روابط بین‌الملل عمل نمود و عزت، شرف و استقلال خود را فدای رابطه با دشمنان نکرد و دشمنانی را که با نگاه به نیازمندی‌های مادی ایران

استقلال و ارزش‌های انقلابی را نشانه رفته بودند، مایوس نمود.

به نظر می‌رسد در طی دوران دفاع مقدس الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همین چهار اصل به هدایت و رهبری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) سرمشق گرفته است و تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کمک این اصول قابل تحلیل است. نظریات موجود روابط بین‌الملل نمی‌تواند این تحولات را تحلیل کنند و کلید آن محسوب نمی‌شوند الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برآمده از اصل نه شرقی نه غربی، دعوت، حمایت از مستضعفان و مظلومان و حفظ ام‌القری جهان اسلام است.

### نتیجه‌گیری

در مکتب سیاسی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) رئالیسم سیاسی که تنها به ارزیابی مادی منابع قدرت می‌پردازد، مطرود است و در جهت‌گیری سیاست خارجی نقشی ندارد؛ زیرا اگر بر اساس نظریه واقع‌گرایی به اندازه‌گیری قدرت پردازیم، همواره باید نظام سلطه جهانی را به پذیرفت و به اندازه قدرت مادی خود به دنبال منافع ملی بود. تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره دفاع مقدس با رهبری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به ما می‌گوید که الگوی سیاست خارجی ایران در این دوره برآمده از اصل نه شرقی و نه غربی است و حمایت از مستضعفان و دعوت آنان به حیات طیبه از دیگر اصول آن است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اصل دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به ما نشان می‌دهد که آن حفظ جمهوری اسلامی و ام‌القری جهان اسلام است. با این نگاه، مستضعفان جهان می‌توانند در برابر مراکز قدرت و ثروت جهان صف‌آرایی نمایند. در مکتب سیاسی امام خمینی، اعتماد به ابرقدرت‌های جهان ساده‌اندیشی است و توجه به توده‌های انقلابی و عدالت‌خواه در سراسر جهان، عقلانی است. این سمت‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی دوران دفاع مقدس موج می‌زد.

## منابع

۱. شفیعی، نودر. (۱۳۸۲). «ساختار نظام بین‌الملل کنونی تک‌قطبی یا چندقطبی» همشهری دیپلماتیک (شماره هشتم، نیمه اول اسفند ۱۳۸۲)
۲. مظاهری، محمدمهدی. (۱۳۸۲). «تفسیر انقلاب اسلامی از منظر تئوری‌های انتقادی روابط بین‌الملل»، همشهری دیپلماتیک، شماره هفتم.
۳. صدقی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۴. هنری لطیف پور، یدالله. (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. ایزدی، بیژن. (۱۳۸۱). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان، کتاب، چاپ چهارم.
۶. معاونت پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) (۱۳۸۱). روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) ..
۷. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ اول).
۸. صحیفه نور، جلد ۱۹.
۹. محمدی، منوچهر. (۱۳۷۸)، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دهم.
۱۰. اردستانی، حسین. (۱۳۷۸). جنگ عراق و ایران رویارویی استراتژی‌های تهران دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی).
۱۱. ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، تهران: چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. درودیان، محمد. (۱۳۷۶). آغاز تا پایان، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول.



۱۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. (۱۳۷۳). از خونین شهر تا خرمشهر، چاپ دوم، تهران: بیل، جیمز «تحلیلی بر روند نزدیک شدن آمریکا به ایران» ترجمه ابراهیم متقی، در: نه شرقی و نه غربی تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. (۱۳۸۰). روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد چهارم و چهارم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۶. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. (بی تا)، آیات شیطانی بارزترین جلوه دشمنی استکبار جهانی با اسلام ناب محمدی.
17. Faroughy, Ahamad et Jean-Loup,(1999). Reverier L'Iran contre Le chat(Paris, Edition Jean claud simoen).
18. Khosrokhavar, Farhad(1993), L'utopia sacrifiée sociologie de La revolution, paris, presses de La Fondation Nationale des sciences Politiqu.

